

خارج از وطن» (PKDW) و اساساً ساختن چنین نهادی را می‌توان گفت که آنان از سازمان آزادیبخش فلسطین تقلید کرده بودند. به قول یکی از نمایندگان این پارلمان: «سازمان آزادیبخش فلسطین، پارلمان در تبعید تشکیل داد. مقر آن ۶-۵ سال در تونس بود، سپس از طریق روابط دیپلماتیک موفق شد به فلسطین انتقال یابد.» البته، پارلمان پ.ک.ک. نیز در آغاز خوشبین بود که به زودی مقر اصلی آن به کردستان عراق انتقال یابد. اما همکاری احزاب حاکم در کردستان عراق با دولت ترکیه، نه تنها مانع بر آورده شدن این آرزوی پ.ک.ک. شد بلکه احزاب نامبرده در کنار ارتش ترکیه، پ.ک.ک. را شدیداً در تنگنا قرار دادند. ناگفته نماند فراخوان پیوستن به این پارلمان عمومی بود و همه احزاب کرد در کشورهای منطقه و شخصیت‌ها را در بر می‌گرفت. به همین دلیل در آغاز، احزاب کرد از سوریه و عراق و از ایران «سازمان کومله - بخش کردستان حزب کمونیست ایران» نمایندگانی در آن داشتند. ولی به مرور زمان این اتحاد محدود و محدودتر شد.

اعمال هژمونی در ماهیت احزاب مختلف وجود دارد، اما احزاب ناسیونالیست کرد در این مورد عملکردهای به غایت ارتجاعی دارند. به دو مورد - نمونه وار - اشاره می‌شود: پ.ک.ک. از یک طرف تلاش می‌کرد که با دولت سازش نماید و در حاکمیت سهم گردد، از طرف دیگر، هر گونه فعالیت سیاسی و نظامی را انحصاراً حق خود می‌دانست.

رهبران پ.ک.ک. نه تنها هرگز تحمل انتقاد دیگران را نداشته بلکه افرادی را هم که از این حزب جدا می‌شدند؛ مورد تهدید قرار می‌دادند. این حزب، از اقدامات فیزیکی نیز علیه مخالفان و منتقدان خود روگردان نبود. البته ناگفته نماند چنین سیاستی مختص پ.ک.ک. نیست. اکثر سازمان‌های ریز و درشت - کشورهای منطقه در دوره‌هایی، مخالفان خود را از زشت‌ترین و غیر

انسانی‌ترین تهمت و افترا و یا تعرض‌های فیزیکی، حتا، بی‌نصیب نگذاشته‌اند! و پ.ک.ک. هم بارها سازمان‌های دیگر اپوزیسیون را تهدید کرده بود. یک نمونه از اقدامات غیرانسانی پ.ک.ک. بر علیه فعالین دیگر جریانات، عبارت از به قتل رساندن افرادی است که خود را «کمونیست» می‌نامیدند و به این حزب انتقاد کرده بودند.

سیفی جنگیز، یکی از رهبران سازمان «جنبش کمونیستی کردستان»، در مصاحبه‌ای با نشریه فارسی زبان «دفتر سوسیالیستی» شماره ۱۲ نوامبر ۱۹۹۲، در رابط با رفتار پ.ک.ک. با مخالفین چنین می‌گوید: «تنها نکته مثبت در مورد آنان (پ.ک.ک.) مبارزه بر علیه دولت است. تمام گروه‌های ملی این کار را انجام نمی‌دهند. به غیر از مارکسیست‌ها، فقط پ.ک.ک. علیه دولت می‌جنگد. اما آنان نیز حاضرند با دولت بسازند و از لحاظ ایدئولوژیکی، برنامه‌ای و استراتژی برای چنین کاری آماده هستند. ولی چون به رسمیت شناخته نمی‌شوند، تنها جریانی هستند که مبارزه مسلحانه می‌کنند. تا زمانی که مبارزه کنند ما از آنان پشتیبانی می‌کنیم. دیگران نیز جنبه مثبتی ندارند و فرمیست هستند. ما تنها از پ.ک.ک. بر علیه دولت پشتیبانی می‌کنیم (و در عین حال به آنان انتقاد داریم). همین انتقادات منجر شده است که پ.ک.ک. رفقای ما را تهدید به مرگ کند و بگوید: یا جنبش را ترک کنید یا شما را می‌کشیم. این کار را با «تکوشین» کردند و شش نفر از رفقای ما را کشتند! صرفا به خاطر این که مارکسیست و کمونیست بودند. رهبران پ.ک.ک. می‌گویند که برای آزادی بیان و عقاید سازماندهی و مبارزه می‌کنند، ولی با این که امروز صرفا در اپوزیسیون هستند و نه در قدرت، این حق را برای کمونیست‌ها به رسمیت نمی‌شناسند. لذا می‌توان تصور کرد که اگر روزی به قدرت برسند چه خواهند کرد!

پ.ک.ک. در اصل سازمان بسیار ضد دموکراتیکی است. تنها وجه دموکراتیک آن در این است که حزب یک ملت ستمدیده است و بر علیه یک دولت تروریست می‌جنگد.» (۱۳)

نمونه دیگر از تفکر هژمونی طلبی، در عملکرد حزب دموکرات کردستان ایران مشهود است. این حزب به دلیل این که خود را، به زعم خویش، نماینده بلامنازع مردم کردستان ایران می‌داند، در سال‌های گذشته از سازمان‌های دیگر انتظار داشت که برای فعالیت سیاسی-نظامی خود در کردستان، از رهبری آن حزب اجازه دریافت نمایند؟! با همین نگرش بود که حزب دموکرات در سال ۱۳۵۹ در منطقه بوکان به پایگاه سازمان پیکار حمله کرد و چند نفر از اعضای آن سازمان را به قتل رساند. در سال ۱۳۶۰ در مهاباد، چریک‌های فدائی خلق ایران را تحت فشار قرار داد. سرانجام جنگ خونینی را با «کومله-سازمان کردستان حزب کمونیست ایران» آغاز کرد که چندین سال طول کشید. همچنین حزب دموکرات ایران، رفتار خشونت‌باری با بخش منشعبین خود داشت. البته ناگفته نماند، همان‌طور که در بالا هم اشاره شد، متأسفانه برخورد‌های زشت و ناروا و بعضاً غیرانسانی در رهبری همه احزاب و سازمان‌های به اصطلاح «جهان سوم»؛ کمابیش و بنا به ظرفیت و موقعیت‌شان وجود دارد. اساساً چنین جریاناتی در رابطه با آزادی بیان، حق تشکل، فعالیت سیاسی-اجتماعی، تحمل مخالفین و منتقدین خود، مشکل جدی دارند. این هم به نظر نگارنده، قبل از هر چیز محصول سیاست‌های ارتجاعی و غیرانسانی رژیم‌های دیکتاتوری‌ست که انواع و اقسام روش‌های پلیسی و غیره را به کار می‌گیرند تا مخالفین نظام خود را سرکوب نمایند. مهم‌تر از همه در نزد چنین رژیم‌هایی، انسان ارزش و حرمتی ندارد و اگر هم داشته باشد؛ باید در خدمت تحکیم و بقای رژیم قرار گیرد نه در دفاع از

موجودیت و حرمت انسان! چنین نگرشی به انسان، به طور دائم باز تولید می‌شود. بنا بر این اپوزیسیون این دولت‌ها، آگاهانه و یا ناآگاهانه تحت تاثیر فرهنگ سیاسی حاکم و جاری در آن جامعه قرار می‌گیرند. هر چند که موقعیت جغرافیایی‌شان تغییر یابد. یعنی اگر چه خودشان زیر شدیدترین سرکوب، فشار و انواع تهدیدها قرار دارند اما این اجازه و حقانیت را به خویش می‌دهند که با مخالفین‌شان همان رفتار سرکوبگرانه و زشت و ناروا را داشته باشند. در نتیجه به مرور زمان خودخواهی، تنگ نظری، جاه طلبی، روش رمنش و سیاست‌های فرقه‌ای، به فرهنگ سیاسی این گونه سازمان‌ها و احزاب تبدیل می‌شود. که در واقع خشونت با خشونت و انتقام پاسخ داده می‌شود.

## سفر فرانسوا میتران به ترکیه و طرح مسئله کرد

فرانسوا میتران رئیس جمهور وقت فرانسه، در تاریخ ۱۵ آوریل ۱۹۹۲ از ترکیه دیدن کرد. آخرین رئیس جمهور فرانسه پیش از وی که به طور رسمی از ترکیه دیدن کرده بود ژنرال دوگل بود که در سال ۱۹۶۸، از ترکیه دیدار کرده بود. بنابراین سفر میتران به آن کشور از جنبه‌های مختلفی حائز اهمیت است. از جمله دفاع نسبی مادام میتران، همسر وی، در رابطه با جریان‌ات کرد آشکار می‌باشد. رئیس جمهور فرانسه در این سفر، برای نخستین بار حل مسئله مردم کرد را با میزبانان خود در میان گذاشت.

البته، مسائل مهم مورد بحث طرفین نه در رابطه با حل مسئله مردم کرد بلکه حول قراردادهای اقتصادی و گسترش روابط دیپلماتیک شان بود. تورگوت اوزال رئیس جمهور ترکیه، هنگام استقبال از همتای فرانسوی خود در مقابل کاخ ریاست جمهوری، در آنکارا گفت: «حمله به دولت و نیروهای آن که به شکل دموکراتیک و قانونی به اکثریت جامعه اتکا دارد، تا جانی مجاز است که قانون تعیین کرده است. در غیر این صورت مقابله دولت با مهاجمین امری عادی و طبیعی است. جواب کسانی که علیه دولت و مردم از اسلحه و ترور و شدت عمل استفاده می‌کنند، شدت است. واقعیت امر این است که به هر دلیلی در برابر دست زدن به این اعمال نمی‌توان با خوشرویی جواب داد.»

میتران هم در جواب اوزال گفت: «فرانسه آگاه است که شدت به خرج دادن، حقوق انسانی و آزادی را تهدید می‌کند. به همین دلیل هم تروریسم را محکوم می‌کند و لو این که هر واقعیتی را در مقابل خود داشته باشد. اما خواسته‌های جوامع انسانی را نمی‌توان در دراز مدت بدون جواب گذاشت. مسئله‌ای که توجه خیلی از کشورهای اروپایی را به خود جلب کرده و شما

نیز به آن اشاره نمودید، مسئله کردهاست که با احترام گذاشتن به شخصیت حقیقی و حقوقی دولت‌ها و به رسمیت شناختن فرهنگ‌ها قابل حل است. فرانسه قصد ندارد به کسی درس بدهد اما اخیراً تلاش‌هایی را آغاز کرده که به جای شدت عمل، دیالوگ و گفتگو انجام گیرد.»

همچنین وزیر امور خارجه فرانسه، در ملاقات با وزیر امور خارجه ترکیه، به صراحت بیان داشت: «برای جلوگیری از ترور می‌توانید، حقوق کردها را در کشورتان، به رسمیت بشناسید.»

وزیر امور خارجه ترکیه نیز جواب همتای فرانسوی خود را چنین داد: «کردها هموطنان درجه یک ما هستند. آیا با شناسایی حقوق اقلیت برای آن‌ها، آسیب نمی‌بینند؟» (۱۴)

در این سفر ۱۵۰ نفر از صاحبان صنایع و سرمایه‌های بزرگ، میتران را همراهی می‌کردند. علاوه بر آن پنج نفر از وزرای کابینه میتران که همراه او وارد ترکیه شده بودند، در دیدار از صنایع مختلف ترکیه، به همتایان ترک خود وعده دادند که از عضویت قطعی ترکیه در بازار مشترک اروپا حمایت نمایند. عضویت ترکیه در بازار مشترک اروپا سال‌هاست که به حالت تعلیق در آمده است.

در زمینه همکاری‌های توریستی طرفین قرارداد رسمی امضا کردند. موانعی که در سر راه سرمایه‌گذاری چهار میلیارد فرانکی شرکت رنو در ترکیه، وجود داشت از میان برداشته شد. در بخش نظامی نیز، نسبت به فروش ۲۰۰ هلیکوپتر از سوی شرکت فرانسوی به ترکیه، قدردانی به عمل آمد.

لازم به یادآوری است که سفر میتران به ترکیه در شرایطی صورت گرفت که روابط آلمان و ترکیه به شدت تیره شده بود و دولت آلمان ترکیه را به خاطر استفاده از سلاح‌های ساخت آن کشور علیه کردها تحت فشار قرار داده و

همچنین بازار مشترک اروپا نیز به پیشنهاد آلمان، ترکیه را محکوم نموده بود.

این یک نمونه از برخورد دولت‌های سوسیال دموکرات غرب با ترکیه است که در ظاهر دفاع از حقوق انسانی و سیاسی و فرهنگی مردم کرد طرح می‌شود!! در واقع چنین سیاستی، نه از سر همبستگی با مردم کرد، بلکه در راستای رقابت دولت‌ها و منافع اقتصادی و سیاسی آنان هست که این‌جا و آن‌جا، و به شکلی که ذکر آن رفت، اعمال می‌گردد. مگر غیر از این است که هلیکوپترهای فرانسوی نیز همانند تانک‌های آلمانی، توسط دولت ترکیه در سرکوب و کشتار مردم کرد به کار گرفته می‌شوند!؟

## شهر شیرناک بمباران می شود

دولت ترکیه، ادعا کرده بود که شهر شیرناک در بخش کردنشین جنوب شرقی آن کشور در روزهای ۱۸ تا ۲۰ اوت ۱۹۹۲ صحنه درگیری یکی از سنگین ترین درگیری سال های اخیر بین نیروهای دولتی و چریک های پ.ک.ک. بوده است. گزارش های بعدی که در مطبوعات منعکس گردید، حاکی از آن بود که در واقع مردم شیرناک دست به یک شورش عمومی علیه بی عدالتی ها و سرکوب سیستماتیک دولت زده بودند.

دستگاه های تبلیغاتی وابسته به دولت اعلام می کردند که ۱۵۰۰ چریک به شیرناک حمله کرده اند. نیروهای ارتش، ژاندارمری، واحدهای ویژه کوماندو و پلیس، شهر را در محاصره خود دارند، ورود و خروج از شهر را ممنوع اعلام نموده اند و از ورود خبرنگاران به شهر جلوگیری می کنند. در داخل شهر حالت فوق العاده نظامی ۲۴ ساعته اعلام شده است.

بالاخره بعد از سه روز، در ۲۲ اوت ۱۹۹۲، شهر به روی خبرنگاران باز می گردد. آنان در حالی وارد شهر می شوند که دود و باروت و مرگ بر شهر سایه انداخته و انبوهی از ویرانه در آن به چشم می خورد که گونی ماه ها زیر آتش شدید سلاح های سنگین بوده است! چنین وضعیتی با ادعای بلندگوهای دولتی مبنی بر یک درگیری چریکی با سلاح های سبک خوانائی نداشت! هنوز در کوچه ها اجساد کشته شدگان و لاشه حیوانات باقی مانده بود. اکثر منازل و مغازه ها ویران شده، ماشین ها در کنار خیابان ها مچاله و به آهن پاره تبدیل گردیده، برق و آب شهر به کلی قطع شده و بنا به برآورد رسمی دولت، پانصد میلیارد لیره خسارت به شهر وارد آمده بود. تازه، این صحنه های هولناک بعد از چهار روز حکومت نظامی شبانه روزی به چشم می خورد.



بعد از چهار شبانه روز، رفت و آمد روزمره در شهر آزاد می‌شود. بلافاصله پس از لغو منع عبور و مرور در روز، مردم شهر با هر وسیله‌ای که در دست دارند سراسیمه شهر را ترک می‌کنند. برخی از آمارها حاکی از آن بود که ۲۰ هزار نفر با عجله از شهر خارج گشته و به روستاها و شهرهای اطراف گریخته‌اند. نماینده شهر شیرناک در پارلمان، به خبرنگاران می‌گوید: در اولین ساعات لغو حالت فوق‌العاده نظامی بیش از ۵ هزار نفر از مردم شهر با پای پیاده از آن‌جا فرار کرده‌اند.

در این میان پ.ک.ک. با ارسال اطلاعیه‌ای برای خبرگزاری‌ها، ادعای دولت ترکیه، مبنی بر ورود گروه‌های چریکی آن حزب به شهر را تکذیب نموده و می‌افزاید: پ.ک.ک.، ۱۵۰۰ چریک در این منطقه ندارد که بخواهد آن‌ها را وارد شیرناک کند.

سلیمان دمیرل نخست وزیر در واکنش به گزارش‌های شیرناک، در جواب خبرنگاران تنها به اظهار این که: «واقعۀ عجیبی است» بسنده می‌کند. عصمت سزگین وزیر کشور نیز، در مصاحبه مطبوعاتی می‌گوید: «تعداد زیادی در شیرناک دستگیر شده‌اند که ارمنی و سوری بوده‌اند. به دلیل این که هیچ‌کدام ختنه نشده بودند.» وی تعداد کشته شدگان را دو مرد، یک زن و یک کودک اعلام کرد. اما خبرنگار روزنامه «اوزگور گوندم» که از شیرناک دیدن کرده، تعداد کشته شدگان را یک صد و بیست نفر گزارش کرده است. (۱۵)

## همکاری احزاب کرد عراقی با دولت ترکیه

### در سرکوب پ.ک.ک.

جلال طالبانی، در مصاحبه‌ای با روزنامه آلمانی «تاگس سایتونگ» که در ۱۴ آوریل ۱۹۹۲ در آن روزنامه چاپ شده است؛ در باره مناسباتش با ترکیه و انتخابات در کردستان نظر می‌دهد که در این‌جا فقط بخشی از آن مصاحبه که به امور ترکیه و اپوزیسیون کرد مربوط می‌شود؛ نقل می‌گردد:

«سوال: شما چندی پیش از لزوم تشکیل یک جنبش پان‌کردی صحبت کردید. آیا این به معنای هماهنگی و تماس‌های بیشتر با کردهای ترکیه خواهد بود؟

جواب: من پیشنهاد کنفرانس برای تمام سازمان‌ها و احزاب کرد را کردم. این کنفرانس باید تصمیم بگیرد که چگونه میان احزاب مختلف کرد هماهنگی حاصل شود و روابط آن‌ها با یکدیگر چگونه باشد. در آخرین کنگره اتحادیه میهنی، هیات‌های نمایندگی از احزاب گوناگون از کشورهای ترکیه، سوریه و کردستان ایران حضور داشتند.

سوال: بارزانی طی مصاحبه‌ای حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک.) را تروریست خواند. آیا شما هم همین نظرات را دارید؟

جواب: خیر. به نظر من این حزب انعکاس سیاست‌های ترکیه در مقابل کردها در جامعه کردستان است. «پ.ک.ک.» هم چون سایرین یک جنبش ملی است، گر چه به نادرست خود را مارکسیست می‌نامد. شما اصلاً به من بگویید به چه کسی که برای آزادی کشور می‌جنگد تروریست نگفته‌اند. اسحق شمیر به عنوان تروریست تحت تعقیب بود. من و بارزانی هم متهم به تروریست بودن هستیم. من موافق سیاست‌های پ.ک.ک. نیستم. رهبر آن‌ها ناپخته است و

تحولات نظم نوین جهانی را درک نمی‌کند. من وقتی نوشته‌های اوجالان، رهبر آنها، را می‌خوانم یاد سال‌های ۱۹۵۰ میلادی می‌افتم. ولی من او را متهم به تروریست بودن نمی‌کنم. او کرد است و برای آزادی خلق کرد می‌جنگد.

سوال: احتمالاً تحولات ترکیه برای کردستان عراق اهمیت حیاتی خواهد داشت. ترکیه شریان حیاتی است و راه دیگری برای ورود کالا به کردستان عراق وجود ندارد.

جواب: امکان دیگر مرز طولانی ما با ایران است. ما خواهان قطع روابط خود با ترکیه نیستیم. در عین حال ما نمی‌توانیم اصول خود را زیر پا بگذاریم. ما کرد هستیم و میان ۵ کشور پخش شده‌ایم. در تمام قسمت‌های کردستان برای آزادی، حق ملی، دموکراسی و حقوق بشر مبارزه می‌شود. ما نمی‌توانیم علیه مبارزه برادران خود در بخش‌های دیگر کردستان موضع بگیریم. مثلاً حزب دموکرات ایران در عراق است. ما با آنها چه کار کنیم؟ با آنها بجنگیم چرا که ایران علیه آنهاست؟ در مورد پ.ک.ک. هم همین‌طور است. ما ژاندارم دولت ترکیه نیستیم.

سوال: وقتی می‌گوئید پ.ک.ک. شما را یاد سال‌های ۱۹۵۰ میلادی می‌اندازد، آیا بهتر نیست سعی کنید آنها را قانع کنید؟

جواب: ما سعی خودمان را می‌کنیم. من برای اوجالان نامه می‌نویسم. با نمایندگان او صحبت می‌کنم و کسانی را برای دیدار با آنها می‌فرستم. ما تمام سعی خود را می‌کنیم که آنها را واقع بین کنیم. در اوائل امسال، آنها نقشه یک قیام توده‌ای را داشتند. آنها از ما تقاضای کمک کردند ولی ما به آنها گفتیم که این کار واقع بینانه نیست. برای یک قیام در ترکیه که بخشی از ناتو است احتیاج به شرایط معین اقتصادی و سیاسی و جو تازه‌ای در خاورمیانه و دنیا می‌باشد. آیا آنهایی که تمام تلاش خود را کردند که

کشورهای به اصطلاح سوسیالیستی را متلاشی کنند این قدر دیوانه‌اند که تشکیل یک دولت مارکسیست-لنینیست را تحمل کنند؟ آن هم در یک کشور عضو ناتو؟ ما به آنها گفتیم واقع بین باشند و تاکتیک خود را عوض کنند. آنها ما را متهم کردند که جاسوس امپریالیسم هستیم. آنها ناپخته‌اند. ما باید قدری حوصله به خرج دهیم. این‌ها هم واقعیت‌های دیگر خلق کرد هستند. آنها یک وقت مرا جاسوس آلمان‌ها، بار دیگر جاسوس ترکیه و بالاخره جاسوس آمریکا خواندند. وقتی من در این مورد از اوجالان سوال کردم، گفت اشتباه چاپی بوده است.

سوال: آیا این هم اشتباه چاپی بوده که وقتی روزنامه‌های ترکیه از قول شما نوشتند در ترکیه دموکراسی حاکم است و روند لیبرالیزه شدن به پیش می‌رود؟  
جواب: خیر، من این حرف را زدم. لیبرالیسم در ترکیه یک واقعیت است و پروسه دموکراتیک در حال انجام است. برای اولین بار کردها به رسمیت شناخته می‌شوند. تا سه سال پیش به آنها «ترک‌های کوهی» می‌گفتند. در حال حاضر یک روزنامه کردی منتشر می‌شود. زبان کردی به رسمیت شناخته شده است. این‌ها قدم‌های بزرگی برای ترکیه هستند. ثانیاً آنها حزب خودشان «حزب دموکراتیک کار» (DEP) را با ۲۲ نماینده در پارلمان دارند. شما نصف این آزادی‌ها را در عراق به من بدهید!... (۱۶)

اجازه بدهید با هم مروری به تحولات تاریخی کردستان داشته باشیم و ببینیم آیا آقای جلال طالبانی، در رابطه با مسئله مردم و پ.ک.ک. واقعیت را بیان می‌کند؟ یا به عنوان یک رهبر، با تجارب فراوانی که در همکاری با دولت‌های منطقه و آمریکا دارد، در حالی که زمانی خود به همین دلایل در انتقاد به جریان بارزانی که با سازمان سیا و ساواک همکاری می‌کرد، از آن جریان جدا شد، در راستای منافع خود، واقعیت‌ها را تحریف نمی‌کند؟ آیا به

نادرست از دولت ترکیه تعریف و تمجید نمی نماید؟

پس از سرکوب بی رحمانه یک شورش توده‌ای در شهر شیرناک - که قبلاً بدان اشاره شد - آقای طالبانی و به دنبال او، هیات اپوزیسیون به اصطلاح ملی - مذهبی عراق، به آنکارا رفتند و به خدمت تورگوت اوزال رئیس جمهور ترکیه رسیدند و در مقابل دوربین‌های خبرگزاری‌ها، پز دادند. «سخاوتمندی» اوزال در پذیرفتن این هیات، دست کم این خاصیت را داشت که سرکوب سیستماتیک مردم کرد را در افکار عمومی طور دیگری جلوه دهند و نسبت به عملکرد دولت ترکیه در قبال مردم کرد توهم به وجود آورند. به علاوه، این هیات به دولت ترکیه، اطمینان داد که به اپوزیسیون مخالف آن کشور و پ.ک.ک. اجازه فعالیت در کردستان عراق را ندهد. بارزانی اظهار داشت که پ.ک.ک. را از کردستان عراق بیرون خواهند راند.

اوائل اکتبر ۹۲، نیروهای حزب دموکرات و اتحادیه میهنی کردستان عراق، علیه نیروهای پ.ک.ک. وارد جنگ شدند تا در چهارچوب توافق با دولت ترکیه، پ.ک.ک. را از مناطق مرزی دور کنند. این حمله با هماهنگی ارتش و سازمان اطلاعاتی ترکیه (میت) انجام گرفت. چرا که نیروهای بارزانی و طالبانی را در حمله به پ.ک.ک. نیروی هوایی ترکیه پشتیبانی می کرد.

روز ۱۰ اکتبر ۱۹۹۲، یکی از سخنگویان پارلمان کردستان عراق در آنکارا، پایتخت ترکیه، شرکت نیروی هوایی ترکیه در این جنگ را مورد تایید قرار داد. این سخنگو در عین حال بمباران هوایی علیه نیروهای پ.ک.ک. را ناموفق خوانده و اضافه کرد که نیروهای کردستان عراق قادر هستند که این عملیات را به سرانجام برسانند.

جلال طالبانی در نزدیکی با عراق مدعی می شود که جمهوری اسلامی، در جریان درگیری‌های پیشمرگان کردستان عراق با چریک‌های پ.ک.ک. به

چریک‌ها یاری می‌رساند.

سرچیل کاراز نماینده اتحادیه میهنی در آنکارا نیز ضمن تائید سخنان طالبانی، ادعا می‌کند که در جریان این درگیری‌ها رژیم اسلامی ایران حدود هشتاد کامیون اسلحه و مهمات به شمال کردستان وارد کرده و در اختیار نیروهای پ.ک.ک. قرار داده است. بنا به اظهار سخنگوی اتحادیه میهنی، رژیم جمهوری اسلامی با هموار ساختن یک منطقه مرزی میان ایران و کردستان عراق توسط بولدوزر، امکان ورود و خروج نیروهای پ.ک.ک. را فراهم آورده است.

سخنان جلال طالبانی و نماینده او در ترکیه، در مطبوعات آن کشور در اکتبر ۱۹۹۲ بازتاب وسیعی پیدا کرد. بعد از آن مقامات دولت ترکیه و مطبوعات آن کشور رژیم جمهوری اسلامی را متهم کردند که به حزب کارگران کردستان ترکیه کمک می‌کند تا چریک‌های این حزب در داخل ایران پایگاه بر پا نمایند. به دنبال این وقایع، روابط دو کشور تیره شد. سفر «عصمت سزگین» وزیر کشور ترکیه به ایران و ملاقات او با همتای ایرانی‌اش به انعقاد قرارداد «ضد تروریستی» بین دو کشور منجر گردید. بر اساس این قرارداد، طرفین متعهد شدند که از گروه‌های مخالف همدیگر پشتیبانی نکنند. اولین تاثیر این قرارداد در ترکیه، تحت فشار قرار دادن پناهجویان ایرانی بود.

ناگفته نماند که سیاست جلال طالبانی در منطقه، سیاست دلالتی با دولت‌هاست. طالبانی در همکاری با رژیم جمهوری اسلامی ایران بر علیه احزاب ایرانی مخالف رژیم نیز، کارنامه سیاهی دارد.

## معادله تازه چگونه شکل گرفت؟

شاهراه تدارکاتی کردستان عراق از مرز سیلویی - هابورک می گذرد. حزب کارگران ترکیه که شمار نیروهایش در کردستان عراق حدود ۸ هزار نفر برآورد می شد، رشته عملیاتی را در منطقه متمرکز نمود. افراد «پ.ک.ک.» بارها مرز را بستند و حرکت کامیون ها و وسایل نقلیه ترکیه را در این مرز متوقف کردند. پ.ک.ک. شدیداً نگران نزدیکی جبهه کردستان عراق و دولت ترکیه بود و با تمرکز عملیاتی در منطقه مرزی، قصد داشت به رهبران جبهه کردستان عراق یادآور شود که می تواند با روی شاهرگ تدارکاتی آن ها بگذارد و معامله بر سر پ.ک.ک. گران تمام خواهد شد.

دولت ترکیه حرکت «پ.ک.ک.» را غنیمت شمرد. ارتش ترکیه تلاش زیادی برای مقابله با اقدامات مرزی پ.ک.ک. به خرج نداد. این اقدامات برای دولت ترکیه اهرم تازه ای برای فشار بر رهبران کرد عراق و کشاندن آن ها به یک ائتلاف نظامی علیه پ.ک.ک. بود.

موقعیت به وجود آمده، از سوی رهبران کرد عراق نیز استقبال شد. جنگ با پ.ک.ک. قیمتی بود که آن ها در مقابل قبول یک دولت کرد در شمال عراق از سوی ترکیه، آماده پرداختش بودند.

مجلس کردستان، تشکیل یک دولت فدراتیو در کردستان عراق را اعلام نمود و همزمان صف آرائی جبهه کردستان علیه پ.ک.ک. وسعت گرفت.

نیروهای جبهه کردستان عراق محاصره پایگاه های پ.ک.ک. را در شمال کردستان، آغاز کردند و به این حزب اخطار نمودند که سلاح های خود را تسلیم کنند و نیز عملیات نظامی خود را در داخل کردستان متوقف سازند.

## ارتش ترکیه وارد عمل می‌شود

در شروع جنگ بین نیروهای جبهه کردستان عراق و پ.ک.ک. ارتش ترکیه تنها به عملیات هوایی و بمباران‌هایی که عملاً حالت پشتیبانی از نیروهای جبهه کردستان عراق علیه پ.ک.ک. را داشت اکتفا کرد. رهبران کردستان عراق با ابراز نگرانی از این بمباران‌ها که افراد غیر نظامی نیز در روستاها قربانی آن می‌شدند؛ از دولت ترکیه درخواست کردند بمباران‌ها را متوقف کند و یک‌سره کردن کار پ.ک.ک. را به آن‌ها واگذارد.

پاسخ دولت ترکیه لشکرکشی علنی به داخل کردستان عراق بود. بیش از ده هزار نفر از نیروهای زمینی ارتش ترکیه وارد کردستان عراق شدند و پس از عملیاتی ۲۰ روزه، به شهر زاخو رسیدند. برای افراد و نیروهای دولت تازه اعلام شده کرد، چاره‌ای جز این نبود تا از ارتشی که بلافاصله پس از اعلام دولت وارد قلمروش شده بود استقبال نمایند.

## مصالحه با پ.ک.ک.

اوجالان، رهبر «پ.ک.ک.»، از کل ماجرا روایت خود را به این شکل زیر ارائه می‌کند. او می‌گوید: «قبل از درگیری‌ها جلال طالبانی و بارزانی به آنکارا احضار شدند و از آن‌ها خواسته شد پ.ک.ک. را تحت فشار قرار بدهند. درگیری‌ها بر این پایه طرح ریزی شد و این طرح آن‌چنان آشکار بود که هر آن، انتظار حمله می‌رفت. ما در مذاکرات قبل از درگیری، قبول کرده بودیم که نیروهای خود را از مرز ترکیه عقب بکشیم و از خاک کردستان به ترکیه حمله نکنیم تا مشکلی برای کردستان عراق به وجود نیاید. اما آن‌ها در مقابل، رفقای ما را دستگیر کردند و قتل عام آن‌ها را آغاز نمودند و دیگر به راه حل صلح آمیز، نزدیک نشدند.»



جنگ علیه «پ.ک.ک.» در آغاز برای دولت کردستان عراق نشان دادن قدرت این دولت بود. اما ادامه جنگ در کنار ارتش ترکیه که قلمرو این دولت را به اشغال در آورده بود، تنها می توانست به مزدوری و زیبونی این دولت تلقی شود. رهبران کرد عراق شدیداً زیر فشار افکار عمومی داخل کردستان قرار گرفتند. آن‌ها برای مبری کردن خود در برابر افکار عمومی در اطلاعیه‌ای اعلام کردند: «دولت ترکیه به شیوه نادرست وارد خاک کردستان شده و مردم بی گناه از بین رفته‌اند و افراد مسلح پ.ک.ک. از ناحیه عقب نشینی کرده‌اند و تاکنون پیشمرگان جبهه، با آن‌ها (ارتش ترکیه) همکاری نکرده‌اند و این خود مردم ترکیه بوده‌اند که لباس پیشمرگی پوشیده‌اند تا وانمود کنند که افراد ما در کنار دولت ترکیه علیه پ.ک.ک. می جنگند.»

پس از این رسوائی، رهبران کرد عراق سریعاً شروع به مصالحه با پ.ک.ک. کردند. آن‌ها توافق یا «تسلیم‌نامه‌ای» را به امضای رهبری پ.ک.ک. رساندند تا دولت ترکیه را راضی به عقب کشیدن ارتش خود از کردستان نمایند. اما دولت ترکیه به حفظ آبروی دولت تازه کرد و رهبرانش در انتظار مردم کردستان احتیاجی نداشت. دولت ترکیه توافق حکومت کردستان و حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک.) را نادیده گرفت و ارتش ترکیه با ادامه حضور خود در کردستان عراق، جنگ و عملیاتی را که از نظر رهبران کرد عراق قرار بود به دولت کرد هیبت یک دولت قادر به کنترل مرزهایش را بدهد، تماماً به زیر سنوال برد و اعمال قدرت را به نام خود ثبت کرد. (۱۷)

### **متن توافق حکومت کردستان عراق و پ.ک.ک.**

**اول:**

در تاریخ ۲۹ اکتبر ۱۹۹۲ نماینده حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک.) آقای

عثمان اوجالان در محل رهبری انجمن وزیران حکومت کردستان حضور یافت و اعلام کرد افراد «پ.ک.ک.» که در خاک کردستان عراق هستند؛ ملزم به اجرای قرار انجمن وزیران که در تاریخ ۵ اکتبر ۱۹۹۲ منتشر شده می‌باشند و در این رابطه:

- ۱- از خاک کردستان عراق برای هیچ حرکت نظامی استفاده نمی‌کنند.
- ۲- افراد وابسته به این حزب و افرادی که می‌خواهند در کردستان عراق بمانند به نواحی‌ای که دورتر از مرز تعیین شده با ترکیه است، منتقل می‌شوند.
- ۳- این افراد می‌توانند با اطلاع وزارت داخلی در خاک کردستان رفت و آمد نمایند.
- ۴- عملیات نظامی اعلام شده علیه حکومت کردستان و جبهه میهنی متوقف می‌شود.

#### دوم:

- ۱- زیست و زندگی نیروهای حزب کارگران کردستان که تحت حفاظت جبهه میهنی هستند تضمین می‌شود.
- ۲- افراد «پ.ک.ک.» از وسایل و امکانات خود حفاظت خواهند کرد.
- ۳- این افراد آزادند که در نواحی تعیین شده، فعالیت آزادانه سیاسی بنمایند.
- ۴- حکومت کردستان امکانات پزشکی و مداوای مجروحین را تأمین می‌نماید. (۱۸)

عثمان اوجالان، عضو کمیته مرکزی حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک.)

نعمان سمو، عضو حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک.)

رژنوری شاورس، جانشین نخست‌وزیر کردستان

در حالی که عبدالله اوجالان، رهبر پ.ک.ک.، آمادگی خود را برای سازش و همکاری با دولت ترکیه اعلام کرده بود، دولت ترکیه این جریان را برای مذاکره نمی‌پذیرفت. اوجالان طی مصاحبه‌ای با روزنامه «اوزگور گوندم» در تاریخ ۹ آوریل ۱۹۹۴، مواضع استراتژیک حزب خود را چنین اعلام کرد: «ترکیه بدون حل مسئله کرد، پیشرفتی نخواهد داشت. مسئله کرد نیز بدون ترکیه قابل حل نمی‌باشد. ما جدائی نمی‌خواهیم بلکه اتحاد می‌خواهیم. سایه زور را از روابط کرد و ترک، بر دارید... هویت ما را قبول کنید آن وقت ما برای حل مسئله آماده‌ایم. ما می‌خواهیم در فضایی فعالیت سیاسی بکنیم که صدای سلاح‌ها خاموش شده باشد. ما آماده هستیم در چهارچوب موازین قانون اساسی و امنیتی ترکیه به فعالیت پارلمانی بپردازیم. من مسائل و مشکلات ترکیه را خیلی بیش‌تر از برخی از سیاستمداران ترک می‌دانم. تمام مشکلات را می‌توانیم در کنار هم بر طرف کنیم.» (۱۹)

علیرغم اینکه اوجالان می‌خواهد در چارچوب قانون اساسی و موازین حقوقی آن کشور به وی و سازمانش اجازه فعالیت سیاسی داده شود اما باز هم دولت شوینیستی ترک به این تقاضای ناسیونالیسم کرد، جواب رد می‌دهد و هم‌چنان به سرکوب و کشتار مردم کرد دوام می‌بخشد.

فایننشال تایمز، در تاریخ ۲۶ ژانویه ۱۹۹۵ طی مقاله‌ای تحت عنوان «بحران سیاسی در ترکیه» نوشت: «... آشکارترین مشکل ترکیه بحران اقتصادی است که آمار منتشر شده در این ماه آن را تایید می‌کند. در سال ۱۹۹۴، قیمت کالاهای مصرفی ۱۲۵/۵ افزایش داشته است که این، بیش‌ترین نرخ تورمی بوده که تاکنون ثبت شده است. در همین حال تولید

ناخالص داخلی در ۹ ماه اول ۱۹۹۴، ۶ درصد کاهش داشته است. بیکاری ابعاد گسترده‌ای پیدا کرده و بسیاری از کسانی که کار می‌کنند نیز قدرت خرید خود را از دست داده‌اند. دولت ترکیه در جنوب شرقی کشور و در مبارزه با «جدایی طلبان کرد»، سالانه ۸ تا ۱۰ میلیارد دلار هزینه می‌کند که این رقم بین ۳۰ تا ۳۵ درصد کل درآمد دولت را می‌بلعد. این معضلات سیاست داخلی و خارجی دولت را سخت آسیب‌پذیر ساخته است.» (۲۰)

www.KetabFarsi.com

## معامله بارزانی و دولت ترکیه بر علیه پ.ک.ک.

مسعود بارزانی، رهبر حزب دموکرات کردستان عراق در ماه مه ۱۹۹۷ از دولت ترکیه تقاضا نمود که نیروهای زمینی، هوایی و توپخانه‌ای خود را به کردستان عراق اعزام کند تا با همکاری همدیگر، کار «پ.ک.ک.» را یک سره نمایند.

ظاهراً چنین درخواستی برای سرکوب پ.ک.ک. صورت می‌گیرد و می‌تواند تنها یکی از اهداف جریان بارزانی باشد. اما در پشت پرده، مسائل دیگری از جمله تثبیت موقعیت سیاسی جریان بارزانی در کردستان (در مقابل رقیب‌اش طالبانی که در این دوره به سوی رژیم جمهوری اسلامی ایران تمایل پیدا کرده است) نیز در میان می‌باشد.

حمله ارتش ترکیه به کردستان عراق، در حالی صورت گرفت که چند روز پیش از آن، چهارمین اجلاس مشترک نمایندگان وزارت امور خارجه آمریکا، سفیر انگلیس، نمایندگان حزب دموکرات کردستان عراق، اتحادیه میهنی، جبهه ترکمن و مستشاران وزارت امور خارجه ترکیه در جریان بود. گفته می‌شود که هدف این اجلاس برای خاتمه دادن به جنگ بارزانی و طالبانی بود. در این نشست رهبران رقیب کردستان عراق، توافق کردند که در راه انداختن نهادها و ادارات خدمات اجتماعی بکوشند، اسرای همدیگر را آزاد نمایند، مذاکرات آتش‌بس را ادامه دهند و جلوی فعالیت چریکی «پ.ک.ک.» علیه دولت ترکیه را بگیرند.

اما ارتش ترکیه بنا به درخواست حزب دموکرات کردستان عراق، در تاریخ ۱۴ مه ۱۹۹۷ - بعد از دو روز بمباران هوایی اهداف تعیین شده در کردستان

عراق - نیروهای زمینی خود را با ۵۰۰ دستگاه تانک، نفربر زرهی و واحدهای توپخانه از مرز «هابور» عبور داد و به سوی شهر «زاخو» روانه ساخت. ارتش ترکیه با بمباران اطراف مسیر حرکت خود، در هر چند کیلومتر نیز یک پاسگاه نظامی دایر کرد.

دو روز بعد از ورود ارتش ترکیه به کردستان عراق، یعنی در روز ۱۶ مه ۱۹۹۷، شهر اربیل بیش از هر جای دیگر متشنج بود و مردم ناباورانه شاهد عملیات وحشیانه پیشمرگان بارزانی علیه افراد پ.ک.ک. بودند. پیشمرگان حضور ارتش ترکیه در زاخو را غنیمت شمردند و به منازل اعضای «پ.ک.ک.»، دفتر روزنامه و رادیو و تلویزیون پ.ک.ک. حمله کرده و علاوه بر این که همه اشیای این اماکن را غارت کردند، بیش از هزار نفر از افراد و دوستداران پ.ک.ک. و مردم معترض شهر را هم دستگیر نمودند. هولناک‌تر از همه، حمله به درمانگاه پ.ک.ک. بود که سببیت را با ریودن شش زن و سه مرد بیمار از درمانگاه به نمایش گذاشتند. آنان را به پشت ماشین بستند و در میدان مرکزی شهر آن قدر چرخاندند که اعضای بدن بیماران تکه تکه شد. آن گونه که جسدهایشان غیر قابل شناسایی گشت.

جنايات این جریان عشیره‌ای تنها به این موارد ختم نمی‌شود؛ بلکه آنان تعدادی از چریک‌های پ.ک.ک. را نیز بعد از این که به اسارت خود درآوردند؛ بلافاصله تیرباران نمودند. بسیاری از مردم اربیل، بعد از دیدن این همه وحشی‌گری، در حالت رعب و وحشت شهر را ترک گفتند. پیشمرگان حزب دموکرات، کنترل سه مرکز تلفن این شهر را در دست گرفتند تا هر گونه تماس با شهرهای دیگر کردستان را کنترل نمایند. همان روز، پیشمرگان بارزانی و چریک‌های پ.ک.ک. در مرکز شهر اربیل با هم درگیر شدند. این درگیری مسلحانه چند ساعت طول کشید که بر اثر آن بسیاری از مردم شهر آسیب

دیده، منازلشان ویران شده و اماکن عمومی نیز تخریب گردید. بنا به گزارش رادیو حزب دموکرات کردستان عراق، در درگیری‌های شهر اربیل بیش از ۳۰۰ تن از چریک‌های پ.ک.ک. کشته شدند. پ.ک.ک. می‌گوید که ۴۲ تن از پیشمرگان حزب دموکرات به قتل رسیده و بیش از ۱۰۰ نفر نیز زخمی گردیده‌اند. گفته می‌شود اجساد کشته شدگان دو روز در خیابان‌ها شهر مانده بوده و کسی جرات نزدیک شدن به آن‌ها را نداشته است. روزنامه «اوزگور پلیتیکا» در شماره ۲۹ مه ۱۹۹۷ خود پیرامون جنایات هولناک اربیل چنین نوشت: «حزب دموکرات کردستان عراق، بعد از قتل عام ۱۶ مه در اربیل، ۶۲ جنازه را به قرارگاه خود در شهر «صلاح‌الدین» انتقال داده و در قبال دریافت مبلغی کلان، آن‌ها را به مقامات ارتش ترکیه فروخته است تا مورد شناسایی قرار گیرند.» این روزنامه می‌افزاید: «۸۰ نفر زن که ده روز است بازداشت شده‌اند در زندان حزب دموکرات دست به اعتصاب غذا زده‌اند.» (۲۱)

از آن‌جا که ارتش ترکیه، ورود خبرنگاران را به منطقه ممنوع اعلام کرده است؛ آمارهای متفاوتی از حمله ارتش ترکیه به کردستان عراق و پ.ک.ک. منتشر می‌شود. به عنوان نمونه سخنگوی ارتش ترکیه با انتشار بیانیه‌ای ادعا نمود که ارتش، صدها نفر از اعضای پ.ک.ک. را کشته و نزدیک به ۴۳۰ نفر از آنان را نیز زخمی و یا سالم اسیر نموده است. براساس بیانیه ارتش، از اول ماه ژانویه ۱۹۹۷ تا ماه ژوئن همان سال در درگیری‌های مختلف، ۱۰۷۹ چریک پ.ک.ک. و ۹۲ مامور انتظامی کشته شده‌اند. (۲۲)

قرارگاه مرکزی نیروهای «پ.ک.ک.» نیز طی اطلاعیه‌ای که در تاریخ ۱۸ اوت ۱۹۹۷ در روزنامه «اوزگور پلیتیکا» چاپ شده است؛ پیرامون ضایعات انسانی در حملات مشترک نیروهای بازرانی و ارتش ترکیه نوشت: «از مجموع ۱۲۶۱ عملیات که توسط چریک‌ها به مورد اجرا گذاشته شده است نتایج

۳۵۷ مورد مشخص می‌باشد. در مجموع این عملیات چریک‌های پ.ک.ک. تن ۲۱۰۲ از نیروهای ارتش و پلیس ترکیه را به قتل رسانده که ۲۰۰۱ تن از آنان سرباز، ۵۵۰ افسر و ۴۹ پلیس بوده‌اند.

علاوه بر این، ۱۱۵۶ پیشمرگ حزب دموکرات کردستان عراق و ۳۵۸ نگهبان ده (جاش) نیز به قتل رسیده‌اند. در این مدت ۱۴۲۳ سرباز و نگهبان ده و ۱۵۰۷ پیشمرگ زخمی شده‌اند. ۴ هلیکوپتر «سوپر کبرا» سرنگون گردیده و ۱۳۷ وسیله خودرو نظامی نیز منهدم گردیده است. ۳۸ پیشمرگ حزب دموکرات و ۶۸ نگهبان ده اسیر شده‌اند.

همچنین در این جنگ، ۵۳۳ چریک پ.ک.ک. جان خود را از دست داده و ۲۲۷ تن دیگر نیز زخمی شده‌اند. دولت ترکیه، در این عملیات، ۲۰۵ حمله هوایی در کردستان عراق انجام داده است.» (۲۳)

در این میان «سامی عبدالرحمان» عضو دفتر سیاسی حزب دموکرات کردستان عراق، اعتراف نمود که در اثر حمله و بمباران ارتش ترکیه، ۳۵۰ دهکده مرزی تخلیه گردیده است. وی اضافه می‌کند که بعد از خاتمه عملیات، به هیچ وجه به چریک‌های پ.ک.ک. اجازه نخواهند داد که در مناطق تحت کنترل آنان باقی بمانند.

حمله ترکیه به کردستان عراق، مذاکرات پ.ک.ک. و حزب الله انقلابی کردستان عراق را مبنی بر تشکیل جبهه مشترک کرد بر علیه نیروهای ترکیه سرعت بخشید. این دو سازمان ملی و مذهبی کرد، در دومین روز حمله مشترک ارتش ترکیه و پیشمرگان بارزانی به پ.ک.ک. طی بیانیه مشترکی اعلام کردند که جبهه آنان باید الگویی برای سازمان‌های ملی و مذهبی کرد باشد که سریعاً به این جبهه بپیوندند. در آن بیانیه که در روزنامه «اوزگور پلیتیکا» چاپ گردیده است، از دولت‌های منطقه نیز درخواست شده که در حمایت از



کردها بر علیه اتحاد سه جانبه آمریکا، اسرائیل و ترکیه، موضع بگیرند. ناگفته نماند که حزب الله انقلابی کردستان عراق، جریانی وابسته به جمهوری اسلامی ایران است.

نیروهای ارتش ترکیه و بارزانی در عمق ۱۶۰ کیلومتری خاک کردستان عراق، به پناهندگانی که از حاکمیت دولت ترکیه گریخته و در آن مناطق اسکان داده شده بودند نیز رحم نکردند. در یورش به مقر پناهندگان، تعدادی از آنان کشته شدند، برخی متواری گردیدند و عده‌ای نیز به دست ارتش ترکیه اسیر شدند.

www.KetabFarsi.com

## راه حل دولت : ادامه سرکوب مردم کرد

شورای عالی نظامی امنیت ملی و مبارزه با ترور، در تاریخ ۱۲ اوت ۱۹۹۷ به ریاست «بلند اجویت» معاون نخست وزیر تشکیل جلسه داد. در آن جلسه هفت نفر از وزرای کابینه دولت جدید ائتلافی، «ژنرال چویک بیر» مدیر کل پلیس امنیتی، مستشاران سازمان امنیت ترکیه (میت) و نخست وزیر و وزارت امور خارجه حضور داشتند. در این جلسه مسائل مربوط به شرق ترکیه (مناطق کردنشین) مورد بحث قرار گرفت که نتایج آن توسط «اجویت» اعلام گردید. روزنامه ملیت در شماره ۱۳ اوت ۱۹۹۷ خود از قول اجویت، پیرامون نتایج این جلسه، چنین نوشت: «امسال امکان پذیر خواهد بود که به حالت فوق العاده نظامی که از ده سال پیش در جریان است، خاتمه داده شود. در صورت نیاز احتیاجی به نگاه داشتن نیروهای نظامی اضافی در آن جا نخواهد بود. برنامه ریزی ثابت با اختیارات وسیع به وجود خواهد آمد. همچنین برای تنظیم مقررات مربوط به «نگهبانان دهات» (جاش ها) زمان بندی خواهد شد. کشورهایی که به «تروریسم» کمک می کنند به اطلاع جهانیان خواهند رسید.» (۲۴)

معاون دیگر نخست وزیر «حسام الدین جین دوروک» در جلسه حزبی خود (حزب دموکراسی ترکیه) گفت: «آنهایی که عملیات مسلحانه می کنند، سلاح های خود را زمین بگذارند. در جمهوری دموکراتیک ترکیه، هیچ مسئله ای وجود ندارد که قابل حل نباشد.» وی اضافه کرد که: «مشکل شرق ترکیه را با یک راه حل دموکراتیک پیگیری خواهند کرد.» وی ادعا نمود که مسئله آزادی بیان و عقیده را نیز حل خواهند کرد: «هیچ کس به جرم آزادی بیان و عقیده در زندان ها باقی نخواهد ماند.» (۲۵)

لازم به تاکید است که در ترکیه هزاران نفر به جرما برآز عقیده زندانی هستند و یا تحت تعقیب قانونی قرار گرفته‌اند. با استناد به ماده ۸ «مبارزه با ترور»، هر کسی که از آزادی بیان و عقیده دفاع می‌کند و یا به سرکوب و کشتار مردم کرد معترض است بلافاصله به «جرم» به خطر انداختن «تمامیت ارضی کشور» و «تجزیه طلبی» و طرفداری از «تروریسم» به زندان افکنده می‌شود. به طور نمونه «منیرجیلان» و «آتیلا» از رهبران جنبش کارگری، به دلایل واهی فوق بعد از نزدیک به دو سال زندان، آزاد گردیدند. یاشار کمال نویسنده مشهور ترکیه نیز مجبور شد که یک دوره کوتاه، کشور ترکیه را ترک گوید و در سوئد اقامت موقت گزیند.

## دفاع اتحادیه‌های کارگری و نهادهای

### انساندوست از حقوق مردم کرد

در ۲۲ مه ۱۹۹۷ یعنی یک هفته بعد از حمله ارتش ترکیه به کردستان عراق، پلیس مبارزه با ترور به منازل مسئولین «انجمن دفاع از حقوق بشر» و «سندیکای آموزش-سن» شعبه دیاربکر یورش بردند و آنان را بازداشت کردند که بعد از بازجویی، آزاد شدند. اما به دنبال این یورش پلیس، استاندار دیاربکر ادعا نمود که اوراق ممنوعه‌ای!! از دفتر انجمن حقوق بشر به دست آمده است. سرانجام این شعبه انجمن حقوق بشر از طرف دادستانی کشور تعطیل گردید.

اتحادیه‌های وابسته به سندیکای کارگران انقلابی ترکیه (دیسک)، پترول، ایش، لیمان - ایش و پلاتفرم شعبه‌ها از جمله اتحادیه‌هایی بودند که حرکت نظامی ارتش و سیاست‌های دولت را محکوم کردند. در شهرهای مختلف از جمله استانبول و ماردین تظاهراتی توسط اتحادیه‌های کارگری و نهادهای انساندوست برگزار گردید. یکی از سخنرانان تظاهرات روز ۲۵ مه ۱۹۹۷ در استانبول (که آن تظاهرات در اعتراض به لشکرکشی ترکیه به کردستان عراق برگزار شده بود) چنین گفت: «در حالی که برای برقراری صلح در کردستان، یک میلیون امضا به پارلمان داده شده، جواب دولت این بود که ده‌ها هزار سرباز خود را به آن سوی مرز روانه سازد و تحت عنوان مبارزه با ترور، جنگ و خونریزی دیگری را راه اندازد.» وی خواستار شد که هر چه زودتر به این جنگ خاتمه داده شود. در یک اجتماع دیگر نیز بیانیه ۲۳ تشکل کارگری، نهاد انساندوست و اتحادیه نویسندگان و هنرمندان در اعتراض

به سرکوب مردم کرد و لشکرکشی دولت قرائت گردید. (۲۶)

واقعیت امر این است که طبقه کارگر ترکیه سعی می‌کند در تحولات کردستان دخالت کند و راه حل انسانی و سیاسی خود را ارائه بدهد تا به ستم ملی و سرکوب مردم کرد خاتمه داده شود. در این راستا به موارد زیر از فعالیت جنبش کارگری اشاره می‌شود:

دادستان دادگاه امنیتی استانبول برای منیر جیلان دبیرکل پترول-ایش (سندیکای کارگران شرکت نفت) به علت نوشتن مقاله‌ای با عنوان «فردا خیلی دیر خواهد شد» درخواست ۲۰ ماه زندان کرد. او در آن مقاله فراخوان داده بود تا علیه قانون «مبارزه با ترور» مبارزه‌ای سراسری سازماندهی شود. جیلان در آن مقاله تاکید کرده بود که قانون «مبارزه با ترور» نه تنها مردم کرد، بلکه تشکل‌های کارگران و زحمتکشان را نیز هدف گرفته است.

دادگاه امنیتی استانبول «جرم» جیلان را به خطر انداختن امنیت و تمامیت ارضی کشور اعلام کرد. درخواست مجازات زندان از سوی دادگاه برای جیلان، در تاریخ ۲۹ دسامبر ۱۹۹۳ از طرف شعبه ۹ دادستانی مورد تایید قرار گرفت و او روانه زندان گردید. منیر جیلان یکی از چهره‌های شناخته شده و مشهور چپ در جنبش کارگری ترکیه است.

وی در بخشی از مقاله خود که خشم دولت و ارتش و پلیس را برانگیخت؛ نوشته بود: «... به ویژه در جنوب شرقی کشور، گسترش اقدامات غیر قانونی، دستگیری‌های دسته جمعی و مفقودالاثر شدن افراد بازداشت شده؛ خبر از روزهای سیاهی می‌دهند که در آینده پیش روی خود خواهیم داشت. قانون «ضد ترور» فقط علیه مردم کرد نیست، بلکه برای از بین بردن تشکل‌های کارگران و زحمتکشان و برای شکستن مبارزه در راه کسب آزادی و حقوق

دموکراتیک، تدوین شده است. به همین منظور، کلیه تشکل‌های دموکراتیک، احزاب سیاسی و همه انسان‌ها و نهادهایی که می‌توانند با هم اتفاق نظر داشته باشند؛ باید اعتراض و اتحاد مشترکی را به وجود آورند و تا آن جا که در توان دارند در مقابل این قتل عام‌های خونین و ترور دولتی، قد علم کنند. در غیر این صورت، بعد از خاموش کردن صدای اعتراض مردم کرد به رهبری سرمایه و امپریالیسم، نوبت طبقه کارگر و زحمتکشان جامعه خواهد رسید، «فردا دیر خواهد شد». پس به همه مردم و نهادهای دموکراتیک فراخوان می‌دهم که در درون این مبارزه، نقش فعالی ایفا کنند...»

مورد دیگر:

روزنامه «آیدین لیک» در شماره روز ۱۳ ژانویه ۱۹۹۴ خود، خبر دستگیری نمایندگان کنفدراسیون سراسری کارگران انقلابی ترکیه - دیسک - را منتشر کرد و نوشت: «جم تیریاکی عضو هیات مدیره سندیکای کار عمومی - سندیکای وابسته به دیسک - و همسرش بسیم اوزگو، نیل آپوهان، منشی سندیکای دری - ایش، مونزور پک گولچ، متخصص امور تشکیلاتی، فاروق بسکی سیز، تورهان بیلدیریم، شرف اوزجان، و علی رضا کوییلای مدت چهار روز است که بازداشت شده‌اند و از وضع آنان نمی‌توان خبر گرفت. در اعتراض به بازداشت آنان، از سوی خانواده دستگیر شدگان، یک کنفرانس مطبوعاتی در دفتر انجمن دفاع از حقوق بشر شعبه استانبول که یک نهاد دموکراتیک است برگزار شد.

برگذارکنندگان کنفرانس به خبرنگاران گفتند: آن‌ها همه در یک شب بازداشت شده‌اند و حتا به رغم انقضای مدت قانونی بازداشت در قرارگاه پلیس، هنوز دستگیرشدگان به دادگاه فرستاده نشده‌اند. ما چنین عملکردی را به شدت